

دکتر محمد افروز عالم،
استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی،
دانشگاه کشمیر، سری نگر

رموز اخلاقی در اشعار کلاسیک فارسی

چکیده: ادبیات فارسی از طول عمر خویش دارای صفت های گوناگون بوده است و کار کردگی آن یکی از مهم ترین مایه های متون زبان و ادبیات فارسی است. و تقریباً هر دوره به لحاظ نیاز مردم و زندگی کامل ایشان خوب نشان داده است و تاریخ ادبیات فارسی از نقوش های مختلف مزین شده است، و ادب فارسی باختصاص ادبیات اخلاقی علاقه مندی هر زمان بوده است، ولی عصر حاضر احتیاج این چنین ادبیات بیشتر دارد. اخلاق پند و اندرز یکی از مهمترین مایه های اشعار زبان و ادب فارسی است و موضوعات مختلف اخلاقی و پند و اندرزهای فراوان در بیشتر اشعار شاعران فارسی دیده می شود. بالخصوص شاعران سنتی فارسی که این موضوع راهیچ موقع از دست خود نداده اند. اشعار کلاسیک فارسی چه ادبی، چه عرفانی و چه تاریخی پر از مایه اخلاقی است که بیشتر آنها تحت تاثیر از آموزه های قرآنی، روایات از احادیث نبوی، اقوال بزرگان دین و افکار مفکران اسلامی است. چنین مضامینی در همه انواع ادبی از ادبیات تعلیمی که جایگاه اصلی چنین مباحثی است، تا ادبیات حماسی و غنایی دیده می شود. مقاله حاضر، این موضوع را در برجسته و اصیل ادب فارسی بررسی و نمونه های از بیان توصیف شاعران را با توجه به منشاء سخنان شان ارایه کرده است.

واژه های کلیدی: اخلاق، صبر، حلم، رشوه نگرفتن، رموز، عصر حاضر، اشعار، ادب تعلیمی،

در این مقاله مختصری سعی شده است که از جمله فضایل اخلاقی که در دین اسلام و احادیث نبوی که بر آن تاکید شده است و شعرهای کلاسیک فارسی که بتوسط شعراء نامدار ایران به معرض وجود آمده است که با خواندن این چنین آثار خوانندگان با اخلاق و اوصاف حمیده مزین شود و اشعار یکه محتوی بر موضوع اخلاق است برگزیده آن را برای مثال آورده شود، مجموعه ای از اصول و پند اندرز و تجربه اخلاقی و کاربردی را به مخاطب منتقل کرده شود آموزه های این سخنان حکیمانه از سرایندهگان، به مسایلی مشترك میان همه انسان ها در ادوار مختلف توجه بشود. این مقاله به دنبال این مسئله ای است که باز تاب سخن اخلاقی در ادبیات چگونه است. و این جایگاه از متاثر چیست؟

گوشه ای دیگر این مقاله که بسیار مهم است و سعی شده است که کلام شاعران نامدار فارسی و تاثیر پذیری آن سخنان از روایات دینی هم پرداخته شده است نیز در انتقال این مفاهیم کلام سخنوران معروف افزوده شده است و شعرهای آنان را در طول ادوار مختلف نقوش اخلاقی را زنده و تازه داشته است بهره گیری برای خطیبان و معلّمان اخلاق ابزاری کارآمد است. راجع به موضوعات اخلاقی مانند صبر و توکل و حکمت عملی و نظری بشکل پراکنده مقالاتی بسیاری وجود دارد، ولی مقاله حاضر این موضوع را منسجم و به خوبی احاطه کرده است تا این مقاله برای تدریس درس های اخلاقی مفید باشد.

شاعران فارسی به اخلاق سالم و زندگی سعادت مندانه سفارش کرده و بر استفاده درست، سنجیده گویی، و حفظ مهار زبان بسیار تاکید نموده اند که یکی از مهمترین جزو اخلاقی است و سخنوران زبان فارسی به

سروده ها، گفته ها و پند های متعددی را عرضه کرده اند که محتوی بر محافظت زبان است چنانکه شاعر نامدار مری اخلاق، سعدی شیرازی با تمثیلی زیبا این امر بسیار ساده و ملموس کرده و گفته است -

زبان :

زبان در دهان ای خردمند چیست

کلید در گنج صاحب هنر

چو در بسته باشد چه داند کسی

که جوهر فروش است یا پيله ور

(دیباچه گلستان سعدی)

و جای دیگر سعدی گفته است

تا مرد سخن نه گفته باشد

عیب هنرش نهفته باشد

(گلستان سعدی حکایت ۳)

یعنی زبان برای انسان خیلی مهم است موقع ای ما با کسی صحبت می کنیم مواجب باشیم که باعث آزار کسی نا باشیم -

همین طور مولوی با تمثیلی زیبا این سخن را بسیار ساده و بیان نموده است - زبان و سخن اسرار درون و اندیشه های نهفته را آشکار می کند و درستی نا درستی سخن از آن هویدا می شود -

بی گمان که هر زبان پرده دل است

چون بجنبد پرده ، سرها واصل است

گریبان نطق کاذب نیز هست

لیک بوی از صدق و کذبش مخبر است

(دیوان شمس تبریزی)

حلم ، صبر و تواضع :

خدای بزرگ برتر مردیکه حلیم و بردبار است خیلی دوست دارد
و داشتن حلم، صبر و آرامش را یکی از بهترین اوصاف خدا دوست حتی
مردم دوست هم قرار داده است حلم یعنی اینکه فرد هنگام غضب
سکون طمانینه خود را حفظ کند و زود خشم نگیرد سنایی نیز در کنار
حفظ زبان حلم و بردباری را ویژگی های مهم اخلاقی بشر شمرده است -
سعیدی در کتاب بوستان خود در باب چهارم در فضیلت تواضع چنین
فرموده است -

فروتن بود هوشمند گزین
نهد شاخ بر میوه سر بر زمین
بنازد فردا تواضع کنان
نگون از خجالت سر گردنان

(باب چهارم بوستان سعیدی)

همین مفهوم را سنایی نیز بخوبی بیان نموده است -

نزدیک علم رأی تومه نور مند نیست
در پیش حلم و سنگ تو که بردبار نیست

(سنایی ۹۱)

و جای دیگر سنایی فرموده است -

فرود مرکز چرخ است قاعده حلمش

و رای عالم عقل است همت والاش

(سنایی ۳۱۶)

اهل مشورت بودن:

کمتر سخن گفتن و بیشتر سخنان دیگران گوش دادن خلقی است
مرتبت مردم را بالامی کند یعنی برای صدور احکام تنها بر رأی و اندیشه
و گمان خود اکتفا نکند و از دیگران یا مشاوران خود باید این زمینه
مشورت بگیرد چون در مشورت خیر است -

دوری از رشوه گرفتن:

رشوه خواری از جمله رذایل اخلاقی مذموم در فرهنگ اسلامی است، چنانکه در قرآن مجید محکم تنزیل آمده است "لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ وَانْتُمْ تَعْلَمُونَ" (البقره، ۱۸۸) در نظام حقوقی رشوه یعنی دادن مال به مأمور رسمی یا غیر رسمی دولتی یا بلدی برای انجام دادن کاری از کارهای دولتی رشوه گفته می شود یکی از وظایف مهم بشر بالخصوص آنها که بر کارهای دولتی مأمور شده اند احتراز از همه نوع رشوه لازم است، سعدی نیز رشوه را عملی می داند که مردم را و دل وی را زنگ آلود می کند چنانکه در کتاب گلستان خود نوشته "همه کس را دندان به ترسی کند گردد مگر قاضیان را به شیرینی"

و جای دیگر سعدی گفته:

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی
بر آورند غلامان او درخت از بیخ
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد
زنند لشکریانش هزار مرغ بر سیخ

(گلستان باب اول حکایت ۱۹)

نیز گفته است:

قاضی چو بر رشوت بخورد پنج خیار
ثابت کند از بهر تو ده خربزه زار

(همان ۱۹۲)

مولانا جلال الدین رومی نیز از عهدیداران می خواهد که از رشوه دوری اختیار نکنند زیرا که رشوه سبب می شود که چشم انسان از حق می پوشد و باعث ذلت و خاری آخرت باشد.

تا رشوت نستی بیننده ای
چون طمع کردی ضریر و بنده ای

(مثنوی مولوی، ۲۴۹)

نیز مولانا رشوه گرفتن را تعبیر از ظالم و مظلور کرده است چون هر که رشوه می دهد، مجبور است که اگر رشوه نه داد کار وی به انجام نمی رسد. این طور هر که رشوه می دهد مظلوم است و آن عهده داران که رشوه می گیرند ظالم اند.

چون دهد قاضی به دل رشوت قرار
کی شناسد ظالم از مظلوم زار

(همان، ۱۵)

دوری از ثروت اندوزی:

دل بستن به دنیا و ثروت اندوزی در ادبیات تعلیمی همواره بر اساس آموزه های دینی و اخلاقی مذموم دانسته شده است زیرا در بند دنیا بودن حجاب افراد برای تعالی و رسیدن به اهداف عالی انسانی است، شاعران مثل سعدی همیشه انسان را تشویق به آخرت و بی ثباتی دنیا ترغیب داده است.

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت

نوشیروان نه مرد که نام نیکو گذاشت

(گلستان سعدی، باب اول، حکایت ۱۸)

سعدی در این شعر صفت داد و دهش را به خلق شایسته شمرده است و نسل بعدی را تشویق به سوی کار خیر کرده است و بتوسط داستان قرآنی مردم را تعقیب کرده که احتراز از کار قارون لازم است. و جای دیگر با تشبیه زیبا چنین عرضه می کند که بر دل می نشاند.

مکن عمر ضایع به تحصیل مال
که هم نرخ گوهر نباشد سفال
هر آنکس که در بند حرص اوفتاد
دهد خرمن زندگانی به باد

(پنج گنج سعدی)

نیز سعدی عمل بخشندگی را نشانی بزرگی و بلندمرتبت شمرد است
چنانکه در ابیات پایین فرموده است -

نیاساید مشام از طبله عود
بر آتش نه چون عنبر ببوید
بزرگی بایدت بخشندگی کن
که دانه تانیشانی نروید

(گلستان سعدی، باب اول حکایت ۱۸)

تعرض به مال یتیمان:

چنانکه بالا ذکر نموده که رشوه خلق مذموم است همان طور
پرهیزگاری از مال یتیمان لازم است بسا پارسایان به اشتباهی دست به
مال یتیمان ببرند دانشمندان معتقد اند گناه می خوردن کمتر از مال
یتیمان خوردن نیست - خواجه کرمانی به این دلیل شعری آورده که بسیار
جالب است -

قاضی اگر از می نشکبید نبود عیب

خون جگر جام به از مال یتیمان (دیوان خواجه

کرمانی ۳۲۳)

در مذمت غرور و کبریایی:

غرور و تکبر از رذایل دیگر هست که شخصیت بالایی يك نفر بزودی
پایین می آرد چنانکه داستان محکم تنزیل را سعدی در پنج گنج خود

همین مضامین را به شعر چنان بیان نموده است.

تکبر مکن زینهار ای پسر که روزی زدستش درایی به سر
تکبر بود عادت جاهلان تکبر نیاید ز صاحب دلان
تکبر عزایل را خوار کرد به زندان لعنت گرفتار کرد
چو دانی تکبر چرا می کنی خطا می کنی و خطا می کنی

(پنج گنج سعدی)

در مذمت دروغ:

دروغ هم از اخلاق رذیله است بدون پرهیز از آن مردم جای
نمی رسد، باصدق و راست گویی زیور تعلیم اسلامی است سعدی در
مذمت دروغ این چنین فرموده است.

کسی را گردد زبان در دروغ چراغ دلش را نباشد فروغ
دروغ آدمی را کند شرمسار دروغ آدمی را کند بی وقار
دروغ ای برادر مگو زینهار که کاذب بود خوار و بی اعتبار

(پنج گنج سعدی)

زبان و سخن ابراز هویت انسان است. چگونگی سخن گفتن
وبه کارگری زبان و نیز مهارت یا رها بودن زبان، سر نوشت انسان را دگر
گون می ند در متون ادبی ما نیز شاعران و سخنوران حکیم و دانایان دنیا
دیدهروزگار آزموده، در سرودها و نوشته های خود مخاطبان را انداز
داده و بر مهارت زبان داد سخن داده اند. مخفی بودن شخصیت انسان
در زیر زبان در بند داشتن آن و بجا سخن گفتن در ندگی و گزندی زبان،
به نرمی گفتن پرهیز از بد زبانی و دروغ، بخشی از پندهایی است که با
تأثیر از کلام الهی و نیز سخنان پیامبر در ادب فارسی منعکس شده است،
روی دیگر زبان خاموشی و سکوت است که به هنگام و بجا بودن آن می

تواند در حفظ شخصیت، کارایی کلام و نگاه داشت آبرو و حتی جان انسان اثر بگذارد، در مجموع زبان ترجمان عقل آدمی است که حفظ آن می تواند برای خود و جامعه مفید باشد یا بارها کردن و دریدگی، آتشی بر جان گوینده یا حتی دیگران باشد.

مراجع:

- (۱) قرآن مجید
- (۲) سعدی شیرازی، مشرف الدین مصلح الدین بن عبدالله، گلستان، تصحیح غلام حسین یوسفی، چاپ خوارزمی، تهران، سال ۱۳۸۱، ایران
- (۳) مولوی، جلال الدین محمد، دیوان شمس تبریزی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ جاویدان، تهران ایران، سال ۱۳۷۰ ش.
- (۴) سعدی شیرازی، مشرف الدین مصلح الدین بن عبدالله، بوستان، تصحیح غلام حسین یوسفی، چاپ خوارزمی، تهران، سال ۱۳۸۱، ایران
- (۵) سعدی شیرازی، مشرف الدین مصلح الدین بن عبدالله، کلیات، تصحیح محمّد علی فروغی، چاپ پیمان، تهران، سال ۱۳۸۲، ایران
- (۶) مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ قطره، تهران ایران، سال ۱۳۸۲ ش.
- (۷) ناصر خسرو، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، چاپ دانشگاه تهران، تهران، ایران، سال ۱۳۸۴ ش.

- (۸) نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبیٰ مینوی و مهدی محقق، چاپ خوارزمی، تهران، ایران، سال ۱۳۵۶ ش.
- (۹) نجم الدین رازی، مرصاد العباد، به اهتمام محمد بن امین ریاحی، چاپ علمی و فرهنگی، تهران ایران، سال ۱۳۸۳ ش
- (۱۰) سنایی، مجدود بن آدم، دیوان، تصحیح محمد تقی مدرّس رضوی، چاپ سنایی، تهران، ایران، سال ۱۳۸۰ ش
- (۱۱) حجازیان، محمد حسن - تجلی مفاهیم حقوقی در شعر فارسی، چاپ جنگل، تهران ایران سال ۱۳۸۸ ش.
- (۱۲) خواجه کرمانی، محمد بن علی، دیوان خواجه کرمانی، به کوشش سعید قانع، چاپ بهزاد، تهران ایران، سال ۱۳۷۴ ش.
- (۱۳) راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ امیر کبیر، تهران ایران، سال ۱۳۵۹ ش.
- (۱۴) رضاقلی، علی، جامعه شناسی خود کامگی، تحلیل جامعه شناختی ضحاک مار دوش، چاپ نشرنی تهران ایران، سال ۱۳۹۳ ش.
- (۱۵) نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد، اخلاق محتشمی، مقدمه محمد تقی، دانش پژوه چاپ دانشگاه تهران، تهران، ایران، سال ۱۳۷۷ ش
- (۱۶) سنایی، مجدود بن آدم، حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه، تصحیح محمد تقی مدرّس رضوی، چاپ دانشگاه تهران، تهران، ایران، سال ۱۳۸۳ ش

